

**عنوان:**

**توسعه آموزش کشاورزی کارآفرینانه در بین دانشجویان دختر: الزامات و راهکارها**

**نویسنده گان:**

مهتاب پورآتشی<sup>۱</sup> و سید محمود حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران و <sup>۲</sup>دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران

m\_pouratashi@yahoo.com

## چکیده

کشور ایران با بحران شدیدی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی دست به گریبان است. علل اصلی را می‌توان اینگونه بیان نمود که تعداد دانشجویان آموزش عالی کشاورزی مرتباً در حال افزایش است و از طرف دیگر، سیاست‌های دولت در جهت خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی ساختار خود و برنامه اصلاحات ساختاری موجب کاهش استخدام در بخش دولتی گردیده است. لذا، با توجه به دگرگونی‌های صورت گرفته در بازار کار کشاورزی و رشد شدید بیکاری در میان دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی، یکی از نیازهای بخش کشاورزی توسعه کارآفرینی می‌باشد و در این راستا، بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام آموزشی جهت اشتغال در بازار کار، آموزش کارآفرینی است. از آنجا که در حال حاضر تعداد زیادی از دانشجویان آموزش عالی کشاورزی را دختران تشکیل می‌دهند؛ مقاله حاضر درصدد است تا به بحث در خصوص آموزش کشاورزی کارآفرینانه در گروه مذکور بپردازد و ابعاد مورد تاکید مقاله کنکاش در دو مقوله چرایی و چگونگی توسعه آموزش کشاورزی کارآفرینانه در بین دانشجویان دختر خواهد بود. آنچه مسلم است، اینکه آماده سازی در خصوص کارآفرینی نباید بعد از فارغ‌التحصیلی باشد؛ بلکه برای تحقق این امر لازم است طی فرایندی و در حین تحصیل مقدمات لازم فراهم شود. یکی از مهم‌ترین این مقدمات تحت تاثیر قرار دادن روحیه کارآفرینی دانشجویان است. جامعه آماری تحقیق را دانشجویان دختر سال چهارم کارشناسی شاغل به تحصیل در دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه تهران تشکیل دادند که ۵۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. روایی ابزار تحقیق براساس نظرخواهی از تعدادی از اساتید صاحب‌نظر مورد تایید قرار گرفت و آلفای کرونباخ محاسبه شده نیز مبین پایایی مناسب ابزار برای گردآوری داده‌ها بود. براساس نتایج به دست آمده، دانشجویان در سه گروه غیر کارآفرین (۲۴٪)، کارآفرینان بالقوه (۴۶٪) و مستعد کارآفرینی (۳۰٪) قرار گرفتند. همچنین، مهم‌ترین راهکار آموزشی موثر بر کارآفرینی دانشجویان دختر، از دیدگاه پاسخگویان عبارت از توجه به مباحث نظری و عملی به صورت توأم می‌باشد.

**کلمات کلیدی:** کارآفرینی، آموزش کارآفرینانه، آموزش عالی کشاورزی، دانشجویان دختر

## مقدمه

امروزه بیکاری در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله ایران، به عنوان یکی از چالش‌های بسیار مهم مطرح می‌باشد. حل این مشکل، سیاست‌گذاران غالب کشورها را با چالش‌های بزرگی روبرو کرده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت ثبات و زوال برخی از دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری می‌باشد. چالش‌های اشتغال یا موضوع کار و بیکاری دانش‌آموختگان نه فقط یکی از مهم‌ترین مسایل اجتماعی روز در کشور به شمار می‌آید، بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن‌را مهم‌ترین چالش اجتماعی چند دهه آینده نیز به حساب آورد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳). بررسی وضع موجود و تحلیل روند اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که آموزش عالی کشاورزی با وجود آن‌که بیشترین نسبت را از لحاظ تعداد دانشجویان در میان سایر گروه‌های آموزشی - به غیر از گروه هنر - دارا می‌باشد؛ اما کمترین نسبت را از لحاظ سهم آن در اشتغال دانش‌آموختگان به خود اختصاص داده است. براساس آمارهای موجود، حدود ۲۲ درصد از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی جویای کار هستند که ۱۰ درصد بیش از نرخ بیکاری کل جامعه است (خداکرمی، ۱۳۸۴). این در حالی است که تعداد دانشجویان آموزش عالی کشاورزی مرتباً در حال افزایش است و از طرف دیگر سیاست‌های دولت در جهت خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی ساختار خود و برنامه اصلاحات ساختاری موجب کاهش استخدام در بخش دولتی گردیده است. در نتیجه شاهد رشد شدید بیکاری در میان دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها هستیم. مطالعات مختلفی که در مورد اشتغال و بیکاری صورت گرفته، نشان دادند که افزایش دانش‌آموختگان بدون تناسب با نیازهای بخش کشاورزی و عدم وجود قانون و مقررات برای بکارگیری آنان باعث شده است تا مشکل بیکاری به مرحله بحرانی برسد (صادقی، ۱۳۷۹؛ طهماسبی سروستانی، ۱۳۷۹؛ محمدی دینایی و فولادی، ۱۳۸۰). و در نتیجه، شرایط فعلی بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی به نحوی است که نیازمند چاره‌اندیشی می‌باشد.

تجربیات موجود در زمینه اشتغال نشان می‌دهد که یکی از راه‌های فایق آمدن به مساله بیکاری، ارایه تعریفی نو از مقوله کار و اشتغال و گذر از کاربایی به کارآفرینی است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳). امروزه کارآفرینی کشاورزی به عنوان یک بخش مکمل اقتصادی مطرح می‌باشد. و در همین راستا، به زعم انتینگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) فعالیت‌های کارآفرینانه به عنوان پاسخی به رکود و مشکلات موجود در بخش کشاورزی مطرح می‌باشد. امروزه در کشورهای مختلف توجه خاصی به کارآفرینی و کارآفرینان می‌شود و تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه شمرده می‌شود. در هر کشوری کارآفرینان به صورت بالقوه وجود دارند و باید تلاش کرد که توانایی‌های آن‌ها بیشتر شود. و از آن جایی که نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه از برون‌دادهای آموزش عالی به شمار می‌روند؛ نقش آموزش عالی در توسعه کارآفرینی بسیار حیاتی و تعیین کننده خواهد بود. اگر نظام آموزش عالی نتواند خود را با این دگرگونی‌ها وفق دهد و پا به پای این تحولات حرکت نکند، کارایی و بازدهی مفید خود را از دست خواهد داد.

با جمع‌بندی از مباحث مطرح شده و با توجه به این‌که در جامعه امروز زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال، تاثیر بسیار مثبتی در پیشبرد جامعه دارند (توکلی، ۱۳۸۱) و جمعیت زیادی از دانشجویان رشته کشاورزی را هم اکنون دختران

<sup>1</sup> Enting et al

تشکیل می‌دهند؛ تحقیق حاضر با هدف بررسی توسعه آموزش کشاورزی کارآفرینانه در بین دانشجویان دختر انجام گردیده است و ابعاد مورد تاکید مقاله کنکاش در دو مقوله چرایی و چگونگی توسعه آموزش کشاورزی کارآفرینانه در بین دانشجویان دختر خواهد بود.

## هدف و روش‌شناسی

تدوین مقاله حاضر با هدف بررسی توسعه آموزش کشاورزی کارآفرینانه در بین دانشجویان دختر انجام گردیده است. در راستای دستیابی به هدف، این مقاله در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول، با استفاده از روش‌شناسی کتابخانه‌ای و مرور منابع دست دوم و جستجو در شبکه جهانی اینترنت تنظیم شده است. لذا، با بیان مفهوم کارآفرینی، تفاوت زنان و مردان کارآفرین بیان خواهد شد. سپس، اهمیت توجه به کارآفرینی در بین دانشجویان دختر رشته کشاورزی تبیین می‌گردد. پس از آن به بحث در خصوص ضرورت آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی کشاورزی و اهداف آموزش کارآفرینی پرداخته می‌شود. و در نهایت، به تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه آموزش کارآفرینی اشاره می‌شود.

بخش دوم، از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی، و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان دختر سال چهارم کارشناسی شاغل به تحصیل در دانشکده‌های کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران بودند که ۵۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات این بخش، پرسشنامه بوده است. روایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرات تعدادی از اساتید صاحب‌نظر و پس از انجام اصلاحات لازم تأیید شد. جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس راهکارهای آموزشی موثر بر کارآفرینی برابر ۰/۷۹ به دست آمد که نشانگر پایایی قابل قبول متغیرهای پرسشنامه بود و بدین سان، محتوای پرسشنامه مورد تأیید و در اختیار پاسخگویان قرار داده شد. اطلاعات به دست آمده، پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها و بحث

### بخش اول

#### مفهوم کارآفرینی

امروزه ادبیات وسیع و غنی در زمینه کارآفرینی وجود دارد و به خاطر ماهیت میان رشته‌ای آن محققان مختلفی از زمینه‌های علمی گوناگون شامل مردم‌شناسی، تاریخ، مدیریت، جامعه‌شناسی و اقتصاد آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند (گیب، ۲۰۰۲). در ادامه به برخی از تعاریف ارایه شده توسط محققان مختلف اشاره می‌شود.

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entrepreneur* به معنای متعهد شدن گرفته شده است. براساس تعریف لغت‌نامه وبستر، کارآفرین کسی است که متعهد می‌گردد مخاطره‌های زمینه‌یابی، سازماندهی، راه‌اندازی و مدیریت یک فعالیت اقتصادی را تقبل کند.

سکستون و بومان<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) کارآفرینی را فرایند شناسایی یک فرصت در بازار و بهره‌برداری از آن از طریق جمع‌آوری منابع مورد نیاز جهت راه‌اندازی و عملیاتی کردن آن فرصت دانسته‌اند و بیان نموده‌اند که هدف فرد از این عملیات به

<sup>1</sup> Sexton & Bowman

دست آوردن و دستیابی به اهداف شخصی و بلند مدت است. هیسریچ و پیترز<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) کارآفرینی را فرایند ایجاد چیزی متفاوت و ارزشمند تعریف کرده‌اند که طی آن فرد از طریق اختصاص دادن تلاش و زمان ضروری و قابل ملاحظه و پذیرفتن ریسک مالی، فیزیکی و اجتماعی، به سود مالی و نیز رضایت شخصی می‌رسد. گاردنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) آن را فرایند راه‌اندازی یک سازمان جدید نامیده است. همان‌گونه که هنری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) بیان کرده‌اند، متداول‌ترین تعریف از کارآفرینی فرایند راه‌اندازی یک کسب و کار و مدیریت تداوم و رشد آن می‌باشد.

در مجموع باید اظهار داشت که برای واژه کارآفرینی آرایه یک تعریف واحد که بتوان از آن به عنوان تعریف صحیح نام برد، وجود ندارد. زیرا دامنه وسیعی از تعاریف از راه‌اندازی یک کسب و کار گرفته تا به کارگیری ویژگی‌ها و رفتارهای منحصر به فرد و ارزش آفرین و نوآوری مورد استفاده قرار گرفته است.

مطالعات انجام شده در مورد کارآفرینان نشان می‌دهد که آنان دارای صفات و ویژگی‌هایی هستند که نقش آنان را از سایرین متمایز می‌سازد و به عبارتی با اتکا به آن ویژگی‌ها می‌تواند به کارآفرینی دست زنند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- خود باوری: کارآفرینان همواره نسبت به وجود یک استعداد قوی در درون خویش که براساس آن می‌توانند در محیط پیرامون خود تغییر ایجاد کنند، آگاهی و اطمینان کامل دارند.
- ریسک‌پذیری: کارآفرینان همواره نسبت به شرایط پرابهام و مخاطره‌آمیز فعالیت خود واقف می‌باشند و با اشراف به این موضوع به خلق و ایجاد دست می‌زنند و به طور کلی، در مواجهه با ابهامات، خلاقیت آنان ظهور پیدا می‌کند.
- میل به نتیجه: کارآفرینان دارای خصوصیتی هستند که روانشناسان آن را انگیزه اکتساب می‌نامند و کار را به خاطر حسن انجام کار و نه به خاطر پاداش و قدردانی انجام می‌دهند.
- هدایت و رهبری: کارآفرینان عموماً دارای قدرت سازماندهی و هدایت و جهت دادن منابع در شرایط جدید و تصمیم‌گیری در هر شرایطی می‌باشند.
- آینده‌نگری: کارآفرینان دارای قدرت درک شرایط آینده و شناخت تحلیل مسایل محیطی هستند. آن‌ها همیشه به فکر اهداف بلندمدت خود می‌باشند و اهداف آنان معمولاً عادی نیست.

## تفاوت زنان و مردان کارآفرین

کارآفرین فردی است که از انجام کارهای نو نمی‌ترسد و منابع لازم را برای ایجاد یا رشد یک فعالیت جمع‌آوری می‌کند و توجه اصلی وی بر توسعه محصولات و خدمات جدید است. یعنی فردی که یک فعالیت پر ریسک را آغاز می‌نماید و از طریق ابزارهای نوآوری آن را بهبود می‌بخشد (دینجی و همکاران، ۲۰۰۵). تحقیقات مختلف نشان داده است که زنان و مردان کارآفرین هر دو به دلیل احساس نیاز به کسب و کار و استقلال فردی وارد عرصه کارآفرینی شده‌اند. در ادامه به برخی از تفاوت‌های زنان و مردان کارآفرین به طور مختصر اشاره می‌شود:

- انگیزه کارآفرینی: از برخی جهات زنان کارآفرین دارای انگیزه متفاوت، سطوح مهارت‌های متغیر و سوابق کاری مختلف نسبت به هم‌تایان مرد خود هستند. مردان اغلب برای در دست گرفتن مهار سرنوشت خویش به کارآفرینی روی می‌آورند. اما زنان بر خلاف مردان برای کسب استقلال برانگیخته می‌شوند.

<sup>1</sup> Hisrich & Peters

<sup>2</sup> Gardner

<sup>3</sup> Henry et al

- منابع مالی: مردان علاوه بر سرمایه خصوصی از سرمایه‌گذاران، وام بانکی و یا قرض شخصی به عنوان منبع تامین سرمایه سود می‌جویند. در حالی که زنان تقریباً در تمام موارد تنها متکی بر دارایی‌های شخصی و یا پس‌انداز خود هستند.
- سوابق حرفه‌ای: هرچند هر دو دسته صاحب تجربه در زمینه کار خود هستند، مردان اغلب صلاحیت بیشتری در بسیاری از فنون کاری دارند. بر خلاف زنان که تجربه اداری اکثر آنان محدود به مدیریت سطوح متوسط در خدماتی مانند آموزش و پرورش و یا مشاغل خرده‌فروشی است.
- ویژگی‌های شخصیتی: مردان اغلب دارای اعتماد به نفس بیشتر و انعطاف کمتری نسبت به زنان هم‌تای خود هستند که این می‌تواند باعث اتخاذ سیاست‌های مختلف مدیریتی شود (نجفی، ۱۳۷۸).

### اهمیت توجه به کارآفرینی در بین دانشجویان دختر رشته کشاورزی

در حال حاضر زنان در کشور ما به عنوان نیمی از جامعه نه تنها دیگر خانه نشین نیستند، بلکه متقاضیان مهارت دیده و دارای تحصیلات عالی‌های هستند که از این نظر بر مردان برتری یافته‌اند؛ بطوری که امروزه به حضور زنان در اجتماع به دیده کفه دیگر موازنه اقتصادی نگریسته می‌شود و نادیده گرفتن تاثیر وجودی زنان در عرصه اجتماعی و اقتصادی برابر با ناممکن شدن توسعه می‌باشد.

خانی (۱۳۸۱) در تحقیقی که در مورد ۲۴۵ زن روستایی در مناطق روستایی استان گیلان انجام داد، بیان نمود که یکی از عوامل موثر بر اشتغال ایشان میزان بهره‌مندی از تحصیلات بیشتر می‌باشد. به زعم خانی، این عامل مانند پیکان دولبه عمل می‌کند که علاوه بر ارتقا کارایی و توان شغلی‌بایی زنان، به لحاظ عدم وجود زمینه‌های اشتغال مناسب با سطح توقعات ایجاد شده جهت کسب شغل در بخشهای دیگر، برمیزان بیکاری آنها می‌افزاید.

نتایج این تحقیق نشانگر این موضوع است که حتی زنان روستایی فارغ التحصیل دانشگاه نیز به اندازه سایرین میل به اشتغال در بخش کشاورزی ندارند. این در حالی است که باید به این نکته مهم توجه کرد که جمعیت عظیمی از دانش‌آموختگان دانشگاه را دخترانی تشکیل می‌دهند که از جامعه شهری بوده و زمینه کار در روستا را ندارند. همچنین نمی‌توان و نباید انتظار داشت که این دختران همانند هم‌تایان روستایی خود به مشکل‌ترین شرایط تن در داده و به کار طاقت فرسا و با مزد پایین بپردازند. چرا که این افراد اعم از شهری و یا روستایی، هزینه‌های هنگفتی را هم از نظر مالی و هم از نظر زمانی (حداقل ۱۶ سال تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی) صرف کرده‌اند. بنابراین، از ایشان انتظار نمی‌رود که به سادگی به جمع دیگر کشاورزان زن پیوسته و با همان زمینه و در همان سیستم به کشاورزی بپردازند. بنابراین، در فرایند توسعه با گسترش امکانات تحصیل برای جمعیت بانوان با ابقا شکل کنونی کار کشاورزی، قادر به جذب نیروی کار آنان در اقتصاد کشاورزی نخواهیم بود و شکل جدیدی از کار که بتواند برای نسل جوان تحصیلکرده جاذبه ایجاد کند، مطلوبیت می‌یابد. و از آنجا که هم اینک دانشجویان دختر بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از سوی دولت، اگر نگوئیم کارآفرینی تنها راه پیش رو است؛ دست کم یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های معضل بیکاری دانش‌آموختگان دختر محسوب می‌شود.

### ضرورت آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی کشاورزی

کشور ایران با بحران شدیدی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان دست به گریبان است. از علل اصلی این عدم تعادل می‌توان میزان رشد بالای جمعیت، وضعیت گذار از ساختار سنتی به ساختار نوین در نظام اقتصاد کشاورزی، دولتی بودن ساختار اقتصاد کشور، پدیده چند شغلی بودن نیروی شاغل، ساختار سنتی نامناسب و نامتعارف در ترکیب جمعیتی

شاغلان گروه‌های شغلی را نام برد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳). در این زمینه اعتقاد بر این است که خود اشتغالی از طریق کسب و کارهای کوچک یکی از راه‌حل‌های بسیار مهم می‌باشد. یکی از ابعاد گسترش کارآفرینی متوجه آموزش کارآفرینی در تمامی سطوح نظام آموزشی به ویژه آموزش عالی بوده است (بوک، ۲۰۰۰). آموزش کارآفرینی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تغییر دیدگاه‌های دانشجویان در جهت خوداشتغالی و کارآفرینی ایفا نموده و از طریق آموزش مهارت‌های لازم جهت کارآفرینی، آن‌ها را برای اشتغال در بازارهای کار خوداشتغالی آماده نماید.

از سوی دیگر، آموزش عالی کشاورزی یکی از ارکان اصلی آموزش عالی می‌باشد که نقش بسزایی در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی دارد. بی شک توسعه کشاورزی هر کشور وابسته به سیاست‌ها، برنامه‌ها و نظام آموزش کشاورزی و به تبع آن وابسته به دانش‌آموختگان متعهد و متخصص آن نظام است. برای رسیدن به توسعه کشاورزی، آموزش عالی کشاورزی باید با از میان برداشتن موانع، دانش‌آموختگانی تربیت کند که از مهارت کافی برخوردار باشند و کارآفرینی کنند (بهرامی و زمانی، ۱۳۸۰). در واقع، آموزش عالی بیانگر نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم سازی زمینه بالندگی دانش، مهارت، و نگرش نیروی انسانی در حوزه‌های فنی، حرفه‌ای و مدیریتی بخش‌های مختلف، نه تنها موجب ترویج دانش می‌گردد بلکه با پیشرفت‌های پژوهشی، فناورانه و علمی که به ارمغان می‌آورد زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌سازد (وودهاال، ۱۹۹۲).

امروزه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی تبدیل به یک پدیده جهانی گردیده است که در اکثر کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه رشد یافته است. با توجه به اعتقاد بین‌المللی به نقش کارآفرینی به عنوان یک استراتژی اقتصادی در جهت پاسخ به نیازهای همواره در حال تغییر بازار کار و کاهش نرخ بیکاری از طریق ایجاد شغل، محققان، تئوری‌پردازان، مدرسان و برنامه‌ریزان آموزشی متعددی اعتقاد دارند که بایستی آموزش کارآفرینی نقش پررنگی در برنامه‌های درسی سطوح مختلف نظام آموزشی داشته باشد (میراه، ۲۰۰۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل موثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۲). بنابراین، همانطور که بیان شد عامل انسانی مهم‌ترین جنبه کارآفرینی بوده و آموزش عامل انسانی در روند پیشرفت کارآفرینی تاثیر بسزایی خواهد داشت. وستد و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) به اهمیت گسترش آموزش کارآفرینی به بدین صورت اشاره کرده است که "کشورهای مختلف با هدف ترغیب و تشویق نوگرایی، رقابت، ارزش‌آفرینی، اشتغال‌زایی و افزایش سودآوری اقتصادی در سطح محلی و ملی، برنامه‌های متعددی را جهت توسعه کارآفرینی طراحی و اجرا می‌کنند تا از طریق آن‌ها تمایل و گرایش افراد به سمت و سوی خوداشتغالی و راه‌اندازی یک کسب و کار جدید و مستقل بیشتر گردد".

به طور کلی، همراه با آشکار شدن نقش و تاثیر کارآفرینی بر روند اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی، تلاش جهت آموزش و تقویت کارآفرینی در بین دانش‌آموختگان شدت گرفته است. در این رابطه، روپکه<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) به تجهیز دانش و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان در ایجاد ارزش افزوده و بهبود رفاه مردم اشاره کرده است. دانش تنها موقعی به یک منبع بهره‌ور تبدیل می‌شود که با کارآفرینی عجین شود. روپکه معتقد است که تمرکز موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های کارآفرین باید روی ارتقا بخشیدن به سهم توسعه اقتصادی باشد.

## اهداف آموزش کارآفرینی

<sup>1</sup> Westhead et al

<sup>2</sup> Ropke

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های عمده اقتصادی است که به دلیل برخورداری از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل بی‌شمار، سهمی بسزا در توسعه اقتصادی کشور دارد. یکی از نیازهای بخش کشاورزی توسعه کارآفرینی می‌باشد و در این راستا، بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام آموزشی جهت اشتغال در بازار کار، آموزش کارآفرینی است. آنچه مسلم است، اینکه آماده سازی در خصوص کارآفرینی نباید بعد از فارغ التحصیلی باشد؛ بلکه تحقق این امر بایستی طی فرایندی صورت گیرد. سولمان و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) اهداف مختلف دوره‌های آموزش کارآفرینی را به صورت زیر ارائه نمودند:

- کسب دانش مربوط به کارآفرینی
  - کسب مهارت در تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی
  - تعیین و تقویت ظرفیت، استعداد و مهارت کارآفرینی
  - القای مخاطره‌پذیری در فنون تحلیلی
  - توسعه همفکری و حمایت متقابل در جنبه‌های انحصاری کارآفرینی
  - تقویت نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر
  - تشویق فعالیت‌های اقتصادی جدید و دیگر فعالیت‌های کارآفرینانه.
- هیسریچ و پیترز (۲۰۰۳) اهداف برنامه‌های کارآفرینی را از دیدگاه فراگیران مورد بررسی قرار دادند. چند نمونه از اهداف یادگیری کارآفرینی که توسط فراگیران اشاره شده است عبارت از گسترش فهم قدرت و ضعف انواع مختلف داد و ستدها و همچنین، فرصت ارزیابی مهارت‌های کارآفرینی توسط خود شخص می‌باشد. علاوه بر آن، اهدافی نظیر بازاریابی، جنبه‌های مالی، طراحی عملیات، سازماندهی، طراحی ایجاد شغل جدید به همراه کسب منابع نیز تاکید شده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، کامل‌ترین طبقه‌بندی از اهداف آموزش کارآفرینی در آموزش عالی را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

- درک مفاهیم و دستیابی به دانش مرتبط به کارآفرینی
- کسب مهارت‌های لازم به منظور استفاده از متون مختلف مرتبط به کارآفرینی
- افزایش دانش و آگاهی دانشجویان در زمینه استعداد، سائقه و مهارت‌های کارآفرینانه
- توانمندسازی دانشجویان در زمینه این که قادر باشند ریسک موجود را کاهش داده
- فراهم نمودن فرصت‌های مناسب برای دانشجویان جهت درک ابعاد خاص کارآفرینی
- ترغیب در زمینه پیش قدم شدن در تغییرپذیری و نوآوری نه این که منتظر تغییر باشند و بعد سعی کنند خود را با آن سازگار کنند (اسکندری، ۱۳۸۵).

### پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه آموزش کارآفرینی

کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر همه جوامع بشری است. منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد؛ و افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشا تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند. در نتیجه، با توجه به نقشی که کارآفرینی در حیات اقتصادی دارد، می‌توان توسعه آن را یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها برای نیل به توسعه اقتصادی دانست و در حال حاضر، توسعه کارآفرینی بخشی جدایی‌ناپذیر و کلیدی از مباحث توسعه

<sup>1</sup> Soloman et al



اقتصادی هم در کشورهای پیشرفته و هم در حال توسعه است (ضیائی، ۱۳۸۳). از دیدگاه کوتن<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) هدف اصلی از توسعه کارآفرینی، تربیت افرادی متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به طور کلی، اشخاصی است که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند.

پوستیگو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) براین عقیده است که توسعه کارآفرینی میان دانشجویان فواید زیر را در بردارد:

- قانونی کردن کارآفرینی و توسعه یک فرهنگ کارآفرینانه با هدف تسریع رشد اقتصادی از طریق رونق شرکت‌ها و مشاغل جدید

- تغییر نگرش‌ها درباره کارآفرینی، کارآفرین و تصویر کارآفرین در میان دانشجویان

- دسترسی به عقیده خلق شغل

- توسعه و تحریک مهارت‌های کارآفرینان در طول تحصیل

- آماده کردن دانشجویان برای بازار کار پویا

- مشارکت در توسعه کارآفرینان سازمان

پوستیگو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در مطالعات خود با بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی دانشجویان آرژانتینی به این نتیجه رسید که از نظر دانشجویان مهم‌ترین دوره‌ها برای کارآفرینی دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری می‌باشد. بایرز (۲۰۰۱) راهبردها و فعالیت‌های آموزش عالی برای کارآفرینی را به صورت آموزش (تدوین و ارایه برنامه‌های آموزشی)، پژوهش (پشتیبانی پژوهش پیرامون کارآفرینی)، و اطلاع رسانی و اشاعه (پراکنش نتایج به منظور تسریع تلاش‌های مشابه در سرتاسر جهان) بیان کرده است.

هوارد<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی تاثیر توسعه قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، خلاقیت، اعتماد به نفس) را بر کارآفرینی ۴۵۰ دانش‌آموز مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین این قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد. هزارجریبی (۱۳۸۲) در پژوهشی نشان داد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش مهارت‌های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معنی‌داری وجود دارد. شریف‌زاده و زمانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با هدف تعیین سطح روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان، به بررسی چهار خصیصه مطرح (توفیق طلبی، قدرت طلبی، رقابت‌پذیری، ریسک‌پذیری) پرداختند که یافته‌ها حاکی از آن بود که ۳۹/۸، ۳۷/۱، ۵۱/۲، ۴۹/۴ درصد از دانشجویان به ترتیب از نظر چهار خصیصه در وضعیت نامطلوبی قرار دارند.

بطور کلی، یافته‌های مربوطه این واقعیت را باز می‌نماید که یادگیری کارآفرینی احتمال موفقیت دانش‌آموختگان دانشگاهی را در ایجاد کسب و کارهای جدید افزایش خواهد داد. به علاوه، تشویق رفتار کارآفرینانه دانشجویان در دانشگاه‌ها، به راه‌اندازی کسب و کارهای نوپا کمک خواهد نمود.

## بخش دوم

### ویژگی‌های فردی پاسخگویان

براساس یافته‌های به‌دست آمده، میانگین سنی پاسخگویان برابر ۲۳ سال بود. ۸۴ درصد پاسخگویان متولد شهر و ۱۶ درصد متولد روستا بودند. براساس اطلاعات به‌دست آمده، ۳۸ درصد پاسخگویان با خانواده و ۶۲ درصد در خوابگاه

<sup>1</sup> Cotton

<sup>2</sup> Postigo

<sup>3</sup> Howard

سکونت داشتند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که در میان پاسخگویان، تنها ۱۸ درصد والدین و یا خویشاوندانی داشتند که به صورت شخصی کسب و کاری را آغاز کرده بودند.

### بررسی روحیه کارآفرینی پاسخگویان

براساس مطالعات صورت گرفته، سطح روحیه کارآفرینی دانشجویان مرکب از ویژگی‌های توفیق‌طلبی، قدرت طلبی، رقابت‌پذیری، و ریسک‌پذیری می‌باشد. برای سنجش سطح توفیق طلبی، قدرت طلبی، رقابت‌پذیری، و ریسک‌پذیری دانشجویان به ترتیب از آزمون توفیق طلبی دیدیتو (۱۹۷۸)، آزمون قدرت طلبی هاشمی (۱۳۷۳)، آزمون رقابت‌پذیری ماینر (۱۹۹۴)، آزمون ریسک‌پذیری هارست (۱۹۹۸) استفاده شد.

با توجه به نتایج به دست آمده (جدول ۱) بیشترین فراوانی در ویژگی‌های توفیق‌طلبی، قدرت طلبی، و رقابت‌پذیری مربوط به سطح متوسط و بیشترین فراوانی ویژگی ریسک‌پذیری مربوط به سطح کم می‌باشد. روحیه کارآفرینی پاسخگویان با استفاده از مجموع این ویژگی‌ها تعیین گردید و براین اساس دانشجویان به سه گروه غیر کارآفرین، کارآفرینان بالقوه (با ارایه برنامه‌های آموزشی امکان کسب و توسعه روحیه کارآفرینی را دارا می‌شوند)، و افراد مستعد کارآفرینی (در صورت مواجه شدن با شرایط مناسب، خصوصیات کارآفرینی را از خود بروز می‌دهند) تقسیم شدند. نتایج نشان داد که ۲۴ درصد دانشجویان در گروه غیر کارآفرین جای گرفتند. ۴۶ درصد و ۳۰ درصد دانشجویان نیز به ترتیب کارآفرینان بالقوه و مستعد کارآفرینی بودند.

جدول ۱- بررسی ویژگی‌های مرتبط با روحیه کارآفرینی پاسخگویان

ویژگی	سطح	فراوانی	درصد
توفیق طلبی	کم	۱۱	۲۲/۰
	متوسط	۲۴	۴۸/۰
	زیاد	۱۵	۳۰/۰
قدرت طلبی	کم	۱۳	۲۶/۰
	متوسط	۲۰	۴۰/۰
	زیاد	۱۷	۳۴/۰
رقابت‌پذیری	کم	۷	۱۴/۰
	متوسط	۲۲	۴۴/۰
	زیاد	۲۱	۴۲/۰
ریسک‌پذیری	کم	۲۹	۵۸/۰
	متوسط	۱۴	۲۸/۰
	زیاد	۷	۱۴/۰

## رتبه‌بندی راهکارهای آموزشی موثر بر کارآفرینی دانشجویان

به منظور بررسی راهکارهای آموزشی موثر بر کارآفرینی دانشجویان، گویه‌هایی تنظیم گردید و از پاسخگویان خواسته شد تا اهمیت آن‌ها را ارزیابی کنند و امتیازی بین ۰ تا ۱۰ به آن‌ها بدهند. برپایه داده‌ها و نتایج جدول (۲)، مهم‌ترین راهکارهای آموزشی موثر بر کارآفرینی دانشجویان دختر، از دیدگاه پاسخگویان عبارت بودند از توجه به مباحث نظری و عملی به صورت توأم با میانگین ۷/۵۴ و انحراف معیار ۲/۱۲؛ انجام کارآموزی‌های عملی در واحدهای واقعی با میانگین ۷/۲۸ و انحراف معیار ۲/۱۹؛ و بکارگیری روش‌های متنوع در فرایند آموزش با میانگین ۷/۰۶ و انحراف معیار ۲/۳۴. و لذا، به منظور افزایش کارآفرینی دانشجویان ضروری است تا به این موارد توجه خاصی مبذول گردد.

جدول ۲- رتبه‌بندی راهکارهای آموزشی موثر بر کارآفرینی از دیدگاه پاسخگویان

رتبه	متغیر	میانگین (از ده)	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	توجه به مباحث نظری و عملی به صورت توأم	۷/۵۴	۲/۱۲	۰/۲۸
۲	انجام کارآموزی‌های عملی در واحدهای واقعی	۷/۲۸	۲/۱۹	۰/۳۰
۳	بکارگیری روش‌های متنوع در فرایند آموزش	۷/۰۶	۲/۳۴	۰/۳۳
۴	ارتباط منسجم با محیط روستا	۷/۰۱	۲/۴۲	۰/۳۴
۵	انجام فعالیت‌ها بصورت گروهی	۶/۹۵	۲/۴۴	۰/۳۵
۶	ایجاد توانایی خلق مساله، مساله گشایی، و تفکر	۶/۹۱	۲/۴۷	۰/۳۶
۷	قرار دادن دانشجویان در جریان مستقیم مراحل پیشنهاد واقعی یک کسب و کار و راه‌اندازی آن	۶/۴۹	۲/۵۹	۰/۴۰
۸	همراه کردن هیات علمی با یک کارآفرین	۶/۶۰	۲/۷۰	۰/۴۱
۹	آموزش بین رشته‌ای بجای آموزش تک رشته‌ای	۶/۲۷	۲/۷۰	۰/۴۳
۱۰	پرورش حس کنجکاری	۵/۸۹	۲/۶۵	۰/۴۵
۱۱	استفاده از واسطه‌های آموزشی و پژوهشی مانند کارآفرینان	۵/۵۴	۲/۷۲	۰/۴۹

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بحران اشتغال به دلیل رشد بی رویه جمعیت کشور از جمله مسایل مهمی به شمار می‌رود که لازم است بطور جدی مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور قرار گیرد. ضرورت توجه به این امر زمانی شفاف‌تر است که به دلیل توسعه تحصیلات عالی در مراکز آموزش عالی کشور در سال‌های اخیر و در نتیجه افزایش میزان عرضه نسبت به تقاضا، موجب شده است که پدیده بیکاری در سطح دانش‌آموختگان دانشگاهی رواج یابد. لذا، یکی از نیازهای بخش کشاورزی توسعه

کارآفرینی می‌باشد و در این راستا، بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام آموزشی جهت اشتغال در بازار کار، آموزش کارآفرینی است. آنچه مسلم است، اینکه آماده سازی در خصوص کارآفرینی نباید بعد از فارغ التحصیلی باشد؛ بلکه برای تحقق این امر لازم است طی فرایندی و در حین تحصیل مقدمات لازم فراهم و موانع برطرف شود. یکی از مهم‌ترین این مقدمات تحت تاثیر قرار دادن روحیه کارآفرینی دانشجویان است. و از آنجا که دانشجویان دختر بیش از نیمی از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها بطور اعم و دانشکده‌های کشاورزی بطور اخص را به خود اختصاص داده‌اند؛ توجه به توسعه آموزش کشاورزی کارآفرینانه این گروه از اهمیت چندانی برخوردار است.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد: پیشنهاد می‌شود دوره‌ها یا واحدهای درسی در دانشگاه‌ها در زمینه مفاهیم، اصول و تئوری‌های کارآفرینی، شناسایی فرصت‌ها و چگونگی بهره‌گیری از آن‌ها و کسب مهارت‌های مدیریتی جهت تحلیل یک موقعیت اقتصادی اختصاص داده شود.

از آنجا که بیشتر درس‌ها به شیوه نظری ارائه می‌شوند و بیشتر دانشجویان مطالب درسی را حفظ کرده و امتحان می‌دهند، و در نتیجه، دانش‌آموختگان با نیازهای بازار کار هماهنگی ندارند؛ پیشنهاد می‌گردد تا توجه بیشتری به ارائه دروس به صورت عملی معطوف گردد. و همچنین، کارآموزی‌های عملی در واحدهای واقعی انجام گیرد.

پیشنهاد می‌شود تا اساتید در ارائه دروس از روش‌های متنوعی بهره‌گیرند و سبک‌های یادگیری دانشجویان و ارتباط این سبک‌ها در راستای آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار گیرند.

پیشنهاد می‌شود تا از نمونه‌های موفق دانش‌آموختگان کارآفرین برای ایجاد انگیزه و نگرش مثبت در دانشجویان در رابطه با زمینه‌های کاری و امکان‌پذیری فعالیت‌های مبتنی بر علم دعوت شود.

## منابع و ماخذ

اسکندری، ف. (۱۳۸۵). بررسی و تبیین راه‌کارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران، رساله دکترا، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران

توکلی، ن. (۱۳۸۱). بهره‌وری و اشتغال زنان، نشریه اندیشه جامعه

خانی، ف. (۱۳۸۱). نقش ویژگی‌های فردی - اجتماعی در اشتغال زنان روستایی، مجموعه مقالات اولین سمینار زنان روستایی، فرصت‌ها و تهدیدها. تهران: دفتر امور زنان روستایی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی.

خداکرمی، ج. (۱۳۸۴). دستگاه‌های دولتی دیگر دانش‌آموختگان کشاورزی را نمی‌پذیرند، روزنامه آسیا، چهارشنبه هشتم تیرماه، شماره ۷۲.

زاهدی مازندرانی، م. (۱۳۸۳). ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵. ۶۷-۴۱.

شریف‌زاده، م. و زمانی، غ. (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۱.

صادقی، ا. (۱۳۷۹). بررسی مزیت نسبی بخش کشاورزی از بعد اشتغال و مقایسه آن با سایر بخش‌های اقتصادی، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، جلد ۲، ۷۵۵-۷۴۴.

ضیائی، م. (۱۳۸۳). تعیین اهداف آموزش‌های علمی - کاربردی با توجه به نقش کلیدی کارآفرینی، پنجمین همایش آموزش‌های علمی - کاربردی موسسه آموزش عالی علمی - کاربردی جهاد کشاورزی

طهماسبی سروستانی، ز. (۱۳۷۹). نقش بخش کشاورزی و توانمندی‌های آن در حل بحران اشتغال، ماهنامه هماهنگ، شماره ۵۱. ص ۵.

هاشمی، ک. (۱۳۷۳). عناصر انگیزشی مدیران صنایع در انتخاب استراتژی‌های رشد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد بخش مدیریت: دانشگاه شیراز.

هزار جریبی، ج. (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

- Baharun, R. & Sheikh Ahmad, F. (2002). Access to human capital in Entrepreneurship Education: A comparison of male and female students in Technical Discipline, Akauntan National. pp. 30-33.
- Byers, T. (2001). Human capital for Entrepreneurship in Higher Education. Stanford Technology Ventures Program. Available: <http://StupStanford.edu>
- Cotton, J. (1990). Enterprise Education Experience, A Manual for school-based in-Service training, CASDEC, p. 147.
- Enting, M. et al. (2002). Modern agricultural entrepreneurship: management tasks. The research is part of the project "The mystery of entrepreneurship" and is being carried out joining by the IAEE.
- Gibb, A. (2002). Crating conducive environments for learning and Entrepreneurship, Industry and higher education. 135-148.
- Henry, C. et al. (2003). Entrepreneurship education and Training. London: Ashgate
- Hisrich, R. & Peters, P. (2003). Entrepreneurship (5<sup>th</sup> Ed.). New delhi: Tata Mc Graw-hill.
- Howard, S. (2004). Developing entrepreneurial potential in youth: The effects of entrepreneurial education and venture creation. University of South Florida Repot, pp. 3-17.
- Hurst, N.W. (1998). Risk assessment: The human dimension. Trowbridge, Wiltshire: Redwood Books Ltd.
- Myrah, K. (2003). A study of public post-secondary Entrepreneurship Education in British Columbia: The possibilities and challenges of an integrated approach. The University of British Colombia, Canada.
- Postigo, S. (2002). Entrepreneurship education in Argentina. The case of Sananders University. Paper presented for the "Internationalizing Entrepreneurship education & training conference in Ent 2002 Malaysia, July 8-10.
- Ropke, J. (2004). The Entrepreneurial University: Innovation, Academic Knowledge creation & Regional development in a Globalize Economic.
- Solomon, G.T. et al. (2002). "The State of Entrepreneurship Education in the United States: A Nationwide Survey and Analysis." International Journal of Entrepreneurship Education, 1(1): 65-86.
- Westhead, P. et al. (2005). Experience and cognition: do novice, serial and portfolio entrepreneurs differ? International small business journal, 23(1). 72-98.

## **Development of Entrepreneurial Agriculture Education among Female Students: Requirements and Course of Actions**

<sup>1</sup>Mahtab Pouratashi and <sup>2</sup>Seyyed Mahmoud Hosseini

<sup>1</sup>Ph.D. Student of Agricultural Education, University of Tehran; <sup>2</sup>Associate Professor of Agricultural Extension and Education, University of Tehran

### **Abstract**

Iran has a serious crisis of agricultural graduates' employment. Principle causes include increasing in number of students in agricultural higher education, policies on privatization and government downsizing. Regarding to changes in agricultural market and growth of unemployment among agricultural graduates, one of the basic needs is entrepreneurship development and therefore, the best choice is entrepreneurship education. Since the females constitute the majority of students in agricultural higher education centers, the aim of the article focuses on development of entrepreneurial agricultural education among female students. In this frame, the intensive dimensions are investigating to develop due requirements and guidelines in this regard. It is assumptive that preparation for entrepreneurship must not be left after graduation, but it needs to affect entrepreneurial morale of students. The statistical population of this study included senior female students of agricultural colleges in University of Tehran. A sample of 50 students was selected using stratified random sampling method. Validity of the instrument was determined by opinions of faculty members and its reliability confirmed by Cronbach's alpha. The findings show that 24% of students were non-entrepreneurs. In contrast, 46% and 30% of students were potentially entrepreneurs and would be entrepreneurs, respectively. Also, from student' viewpoints, the most important educational factor influencing entrepreneurship of female students is attention to practical subjects interacted with theoretical courses.

**Key words:** Entrepreneurship; Entrepreneurial education; agricultural higher education; female students, Requirements and Course of actions.